

# یک مأخذ تاریخی در باره تاریخ قاجاریه\*

گزارش‌های ژنرال «انریکو آندره‌ئینی» (۱۸۸۶-۱۸۷۱)

در قرن گذشته بسیاری از افسران ایتالیائی، تحت تأثیر وقایع سیاسی و ناگواری‌های نظامی (مانند سقوط ناپلئون و سقوط جمهوری ونیز در سال ۱۸۴۸) یا بعلل خصوصی و روحیه ماجراجوئی، برای ترقی و بهره‌برداری بیشتر از امکانات زندگی در صدد برآمدند تا بعنوان مربیان نظامی و یا فرمانده، خدمت خود را به کشورهای شرقی عرضه کنند. ایران که از ابتدای قرن نوزدهم در صدد بهبود بخشیدن به تشکیلات نظامی خود براساس سیستم‌های غربی بود، و برای این هدف افسران غربی را به خدمت خود میگماشت، با پرداخت حقوق‌های خوب و تأمین آینده آنان، پناهگاه مطمئنی برای این تبعیدشدگان و پناهندگان بشمار

(\*) Angello M. Piemontese: East and west, ismeo, Vol. 19- Nos. 1-2 1969.  
PP 147-175 .

میرفت.<sup>۱</sup>

باین جهت افسران متعدد ایتالیائی، بخصوص آنان که قبلاً در سپاه ناپلئون خدمت کرده و نیز افسران ناپلی، در زمانهای مختلف بسوی ایران روی آوردند. برخی از آنان از جمله «فرانچسکو ماتراتزو» Francesco Materazzo و «لوئیجی پشه» Luigi Pesce به مناصب مهمی چون فرماندهی کل آموزش ارتش نائل شدند.<sup>۲</sup>

۱- در مورد تشکیلات نظامی قاجاریه و ورود هیئت‌های نظامی اروپائی به ایران منابع زیر را ببینید :

G. Drouville: «Voyage en Perse fait en 1812 et 1813», Turin, 1829 III.

Lady shell: «Glimpses of life and manners in Persia». London, 1856, PP. 380-385.

G. N. Curzon: «Persia and the Persian question.» London, 1892 I, ch XVII (the Army) PP. 571-612.

E. Flandin, P. Coste: «Voyage en Perse pendant les Années 1840 et 1841.» Paris, 1851, I, Chap. XX, PP. 317-334.

R. B. M. Binning: «A. Journal of two year's travel in Persia, Cylan, etc.» London 1857, II, PP. 292-296.

J. De Rochechouart: «Souvenirs d'un voyage en perse». Paris 1867, chap. V PP. 97-101.

۲- تاکنون هیچ تحقیقی راجع به فعالیت افسران ایتالیائی در دربار قاجار در قرن نوزدهم بعمل نیامده است، ما در ضمن انتشار نتایج بررسی‌های آرشیو وزارت خارجه ایتالیا که موضوع روابط میان ایران و ایتالیا در قرن گذشته را در بردارد، باین مسئله خواهیم پرداخت (میتوانید اولین مقاله از يك سری مطالب مربوط به این موضوع را در انتشارات زیر بیابید :

«La Relazione fra Italia e Persia nel XIX Secolo. Trattati del 1857 e del 1862» Oriente Moderno, XLVIII, 1968, PP. 537-566.

تعدادی از افسران ایتالیائی - بخصوص «پشه»، «جانوتزی» Giannuzzi «باربارا»، «ماتراتزو»، و خود «آندره‌ئینی» - در کتاب «دوفیلیپی» Defilippi تحت

عنوان :

«Note di un viaggio in Persia nel 1862» Milano, 1865, PP. 216 218-222.

ذکر شده اند. بیوگرافی آنان و دیگران - منجمله «آویتابیله» Avitabile

مهمترین این افسران ، «انریکو آندره ئینی» Enrico Andreini اهل «لوکا» Lucca بود .

پس از اخراج از ارتش توسکان در سال ۱۸۵۳ ( بعلت فرماندهی غلط و بد فرجام) او نیز ناچار شد تا اقبال خود را در جای دیگر بیازماید و در سال ۱۸۵۷ رهسپار ایران گردید و در اینجا با درجه سروانی مأمور تعلیم پیاده نظام شد. با تشکیل پادشاهی ایتالیا «آندره ئینی» نیز مانند سایر همقطاران خودکوشش بیپرده‌ای برای ملحق شدن به ارتش جدید ایتالیا بعمل آورد، و

که بعد از قریب دهسال اقامت در ایران از ۱۸۱۶ تا ۱۸۲۶ ، به پنجاب رفته و بشهرت رسید - توسط «آناکلریو» G. Anaclerio در :

«La Persia descritta. Relazione di un Viaggio.» Napoli, 1868, PP. 132-139

شرح داده شده است ، همچنین در کتاب «مرآت‌البلدان ناصری» اثر محمد حسن خان صنیع‌الدوله ، چاپ تهران ۱۲۹۵ هجری (۱۸۷۸ میلادی) جلد دوم ، صفحات ۸۳ ، ۸۴ ، ۱۲۴ ، ۱۲۷ ، ۱۲۹ ، میتوان اطلاعات مختصری در این باره یافت . برخی از جزئیات نسبتاً مهمی که تاکنون ناشناخته مانده است باید در اینجا ذکر شوند : از آنجا که در اواخر قرن نوزدهم افسر ایتالیائی دیگری بنام «مالتا» F. Maletta رئیس هیئت آموزش نظامی ایران بود، (رجوع کنید به: E. Lorini «La Persia economica contemporanea e la sua questione Monetaria.» Milano 1900, PP. 150-263.

میتوانیم قبول کنیم که این مسئولیت بطور مداوم برای تقریباً نیم قرن بعد از ایتالیائیها بود که به ترتیب عبارت بودند از «ماتراتزو» ، «پشه» ، «آندره ئینی» ، و «مالتا» ، ایتالیائی مرموز و خشن دیگری بنام «گنت مونته‌فورت» Monte Forte روش اداری و سیاسی ایران را سازمان داد . «گورتزون» در جلد اول صفحه ۳۳۲ راجع به او مینویسد و نیز «کدی» N. R. Keddie در

«Religion and Rebellion in Iran, the tobacco protest of 1891-1892.»

چاپ لندن به سال ۱۹۶۶ ، صفحات ۴۷ ، ۵۹ ، ۶۰ ، ۱۱۹ ، درباره او مینویسد، من نیز در «Profilo delle relazioni Italo Persiane nel XIX Secolo» که در شماره مخصوص Il Veltro راجع به ایران چاپ خواهد شد ، ذکری از همه این افسران بعمل آورده‌ام .

زمانیکه همه امکانات بازگشت به میهن از میان رفت، او از صمیم قلب خود را وقف کار آموزش کرده با آموختن کامل زبان فارسی خود را بخوبی با محیط جدیدش وفق داد.

منزلت او در خدمت شاه قاجار در سال ۱۸۷۲ که به رتبه ژنرالی نائل شد به اوج خود رسید و تا آن تاریخ او به مدت چند سال فرماندهی پیاده نظام را بعهده داشت، منصبی که آنرا برای سالیان متوالی حفظ کرد. ترقی درخشان «آندره‌ئینی» بیش از آنکه مربوط به شایستگی و توانائی حرفه‌ئی او باشد مدیون صفات غنی انسانی و قریحه متمایز او در تطابق و اصلاح پذیری بود، بسیاری از افسران خارجی که فاقد این دوخصیصه بودند، از جمله فرستادگان نظامی اطریش که در ژانویه ۱۸۷۹ به ایران آمدند، بعلت عدم توانائی در تطبیق خود با محیط جدید، تماماً در انجام وظایف خود ناتوان ماندند.<sup>۳</sup>

در آخرین ماههای سال ۱۸۷۱ «آندره‌ئینی» که در آن زمان سرهنگ بود، برای آنکه خدمتی به ایتالیای محبوب خود کرده باشد به این فکر افتاد تا خدمات خود را بعنوان گزارشگر وقایع ایران، بخصوص در زمینه فعالیتهای تجارتي کشور که میتوانست مورد توجه و علاقه دولت ایتالیا باشد، به آن دولت عرضه کند در

۳- شرح حال مختصر راجع به «آندره‌ئینی» از خلال گزارشهای او اخذ شده است، ولی امیدوارم در طی تحقیقات فوق‌الذکر که در حال اتمام آن‌هستم، اطلاعات بیشتری پیدا کنم. ذکر او در «مرآت‌البلدان ناصری» جلد دوم صفحه ۸۳ (در شرح نام معلمین اروپائی دارالفنون) و در کتاب «کدی» صفحه ۴۷، به میان آمده است.

«آندره‌ئینی» برطبق آنچه که در انسیکلوپدی نظامی، جلد اول، چاپ میلان صفحه ۵۵۷ نوشته شده در سال ۱۸۹۵ در ایران درگذشت و یا مطابق با کتاب براون بنام «The Press and poetry of modern Persia» چاپ کمبریج ۱۹۱۴، صفحه ۱۵۵، سال مرگ او ۱۸۹۴ است.

اخذ این تصمیم یکی از امید های آشکار این افسر توسکانی این بوده که سرانجام دولت ایتالیا برای حفظ حقوق ایتالیائی هائی که بععلل حرفه ای و یا تجارتي در ایران ساکن بوده و تعداد قابل ملاحظه ای را تشکیل میدادند ، نماینده سیاسی خود را به تهران اعزام دارد . به این دلیل او در دوم دسامبر ۱۸۷۱ به وزیر خارجه ایتالیا «ویسکونتتی ونوستا» Visconti Venosta چنین مینویسد : «عالیجناب تعجب خواهند کرد که این نویسنده پسر از سالها اقامت در تهران تازه اقدام به استحضار آنجناب میکند . ایران لحظه حساسی از تاریخ خود را میگذراند و از آنجا که این کشور بطور وضوح در راه اصلاحی حیاتی گام برمیدارد ، ممکن است بزودی امکانات گسترده ای را در روابط خود با غرب عرضه کند ، از این نظر شایسته و عاقلانه است که پیش گیریهای لازم ، بخصوص از جانب ایتالیاکه آنقدر نیازمند گسترش روابط خود است ، بعمل آید .

«از آنجا که کشور ما با ایران هیچ گونه رابطه ای ندارد از آن عالیجناب اجازه میطلبم تا قلم متواضع ولی مشتاق خود را در خدمت کشور و دولت بگمارم بیمی نداشته باشید هیچ نوع حساسگری انگیزه کار من نیست ، من مرد صدیقی هستم و با قلب و روح خود ایتالیائی میباشم افسر سابق ارتش توسکان سرهنگ فعلی ، رئیس آموزش ارتش شاه ، هستم که در ۱۸۵۷ بادرجه سروانی بآن ملحق شدم ، دارای نشان شیروخورشید با حمایل از ایران و «شوالیه سن موریس» و «دازاروس» می باشم و هیچ هدف دیگری ندارم بجز آنکه بتوانم برای وطنم مفید واقع شوم . باین ترتیب خود را به اعتماد کامل عالیجناب میسپارم و خود را به خدمت دولت ایتالیا عرضه میکنم .

من به مباحث غیر ضروری و جمله پردازی نخواهم پرداخت بلکه قصد دارم تا عالیجناب را از هرگونه خبری که بتواند برای

تجارت و مملکت ما مفید باشد مستحضر گردانم»<sup>۴</sup>

این اقدام واقعاً استثنائی بود: پیشنهاد پذیرفته شد و «آندره ئینی» برای مدت پانزده سال، یعنی تا ورود «الساندرودو» رجه دی دوناتو» Alessandro de Rege di Donato اولین کاردار ایتالیا در ایران (نوامبر ۱۸۸۶) منظمأً به ارسال گزارش‌هایی از حوادث و مسائل ایران به وزارت امور خارجه ایتالیا ادامه داد. علاوه بر آن تا همان مدت «آندره ئینی» بعنوان نماینده رسمی دولت ایتالیا، واقعه‌ای که بی‌سابقه بود و واسطه میان دو دربار، در ایران عمل میکرد ولی استثنائی‌تر و بی‌سابقه‌تر در تاریخ روابط دیپلوماسی آن بود که افسری که از یک دولت خارجی حقوق می‌گرفت گزارش‌های سیاسی به دولت متبوع خود بفرستد («آندره ئینی» همیشه تابعیت ایتالیائی خود را حفظ کرد).<sup>۵</sup>

مجموعه گزارش‌های «آندره ئینی» که جمعأً ۴۳۷ گزارش را تشکیل میدهند و من آنها را در جریان تحقیقی راجع به روابط ایران و ایتالیا در قرن گذشته در آرشیو وزارت خارجه رم یافته و مورد بررسی قرار دادم، متأسفانه ناقص هستند در واقع حدود صدگزارش کم است که یا به مقصد نرسیده و یا مفقود شده است.<sup>۶</sup>

۴- (متن ایتالیائی نامه، در اینجا ذکر شده. مترجم) گزارش شماره ۲ بتاریخ دوم دسامبر ۱۸۷۱، آرشیو تاریخی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳ (پرونده گزارشهای رسیده از ایران). قبل از این نامه، «آندره ئینی» نامه دیگری با همان حرارت به «ویسکونتی ونوستا» نوشته بود که متأسفانه تاکنون موفق به یافتن آن نشده‌ام (این نامه از پرونده فوق‌الذکر گم شده است).

۵- از این نقطه نظر و با ملاحظه اینکه گزارشها اغلب شامل اطلاعات نظامی، وحتى محرمانه، هستند ممکن است آنها یکنوع «جاسوسی مجاز» نامید، ولی از طرفی این اطلاعات مورد توجه اندک دولت ایتالیا بود و از طرف دیگر لطمه چندانی به ایران که در آن هنگام بغایت ضعیف بود، نپرساند.

۶- برای اطمینان از این قضیه من به دفتر ثبت پروتکل و مکاتبات بین ایران و ایتالیا رجوع کردم (آرشیو تاریخی وزارت خارجه ایتالیا، ۹۴۱ و ۱۰۲۲).

گزارش‌ها هیچ نظم مشخص و اندازه ثابتی ندارند : برای نمونه سه یا چهار گزارش در يك روز راجع به مسائل مختلف نوشته شده و گزارش‌های دیگری بفاصله چندین ماه از گزارش قبلی ارسال شده است و بدین ترتیب همراه گزارش‌هایی که بیش از چند خط نیستند برخی دیگر بیش از ده صفحه را شامل میشوند. نقص کلی در آنها ملاحظات غیر مطمئن «آندره‌ئینی» از قوائد دستور ایتالیائی وحتی گاهی اوقات از مورفولوژی است<sup>۷</sup>، که با روش محکم و متین او که در صورتیکه حوادث را با هم نیامیخته و اشخاص را در چندکلمه و یا جمله شرح ندهد بسیار مؤثر واقع میگردد، تضاد حاصل میکند نقص دیگر حدود موضوع‌هایی است که مورد بحث قرار میگیرد و همه جنبه‌های زندگی سیاسی فرهنگی ایران را بطور کامل در بر نمیگیرند برخی پیش‌داوریها و تصورات که در آن زمان شاید در اروپا رایج بودند، اغلب آندره‌ئینی را از پرداختن کامل به مسائل مذهبی و درک زمینه‌ها وانگیزه‌های بعضی از حوادث در ایران باز میداشتند ولی درحسن این گزارشها باید گفت، که حتی در يك چنین محدوده‌ای، مسائلی که از جانب آندره‌ئینی مورد بحث قرار گرفته‌اند، همانطور که نشان داده خواهد شد، بسیار گسترده و وسیع هستند. علاوه برآن وقایعی که در آن سالها در ایران اتفاق افتادند آنچنان شبیه هم بوده و دريك طرح مشخصی تکرار میشدند و آنقدر برای مردی که ایران را بمانند میهن دوم خود دوست میداشت نامطلوب بود که آندره‌ئینی اغلب جزئیات و حوادثی را که هیچ چیز جدیدی با

۷- این نقص که بخصوص خسته کننده است، بهیچ وجه از ارزش گزارشات نمیکاهد، و با چاپ و تصحیح کامل گزارشها میتوان آنها را اصلاح کرد. در دفاع از «آندره‌ئینی» باید گفت که این اشتباهات دستوری میتواند نتیجه خستگی و حواس پرتی و یا استفاده مکرر روزانه در محاورات و مکاتبات از زبان دیگری چون فرانسه بود.

خود نداشتند بکنار میگذاشت. بالاخره هدفی که او برگزیده بود، یعنی تهیه اطلاعات منظم برای دولت ایتالیا بطور غیرقابل اجتنابی به حذف بسیاری از مسائل و حوادث منجر میشد که مورد علاقه دولت ایتالیا نبوده و یا برای آنان قابل درک نبود، از طرف دیگر در این گزارشها بسیاری از مسائل و حقایقی که در درجه دوم اهمیت قرار داشتند، مورد تأکید قرار میگرفتند، برای نمونه، حوادث کوچکی که در زندگی نمایندگان سیاسی ناگواری‌هائی ایجاد میکردند. ولی «آندره ئینی» تا حد زیادی از این محدودیت‌ها فراتر رفته است: ما فقط به مهم‌ترین موضوع‌هائی که در گزارش‌های او ذکر شده است اشاره میکنیم. قبل از هر چیز باید گفت که سرسپردگی او به کارش آنقدر شدید و آنقدر فعال و صدیق بود که وی فقط به ارسال گزارش‌هائی بصورت گاهنامه و خبرنامه اکتفا نمیکرد، بلکه اغلب همراه آنها تصاویر و طرح‌هائی درخور موضوع و یا در شرح وقایع نیز میفرستاد کپی‌هائی از مدارک تهیه میکرد قسمتهائی از مقالات جراید را میبرد، سخنرانیها، معاهدات و فرمان‌ها را ترجمه میکرد، کپی و یا ترجمه نامه‌های رسمی را فراهم میآورد، در بدست آوردن نقشه‌های جغرافیائی، متون موسیقی و قانون القاب و فرامین تلاش زیادی بکار میبرد و همه آنها را همراه گزارش خود به وزارت خارجه ایتالیا میفرستاد. «آندره ئینی» بخوبی میدانست که او با دولتی سرو کار دارد که از اوضاع ایران بکلی بی‌خبر است، بنابراین او سعی میکرد تا مدارک و یادداشت‌ها و توضیحات لازم را به گزارش‌های خود بیافزاید.<sup>۸</sup>

۸- اگر دولت ایتالیا علاقه بیشتری به وقایع ایران نشان داده بود و «آندره ئینی» را بنحوی تشویق میکرد، او خیلی بیش از اینها میتوانست گزارش کند، درعوض وزرای متعدد امور خارجه ایتالیا که از ۱۸۷۱ تا ۱۸۸۶ بجای هم نشستند فقط باین اکتفا میکردند که نامه‌ای در تشکر بنویسند و یا بدتر از آن، فقط رسید گزارش را اطلاع دهند.



مثلا به مناسبت اولين سفر ناصرالدين شاه به اروپا (سال ۱۸۷۳) او بيوگرافي شاه، حاج ميرزا حسين خان مشيرالدوله نخست وزير، و ميرزا ملڪم خان،<sup>۹</sup> توضيحاتي در باره ساير همراهان شاه، كپيه ئي از مارش نظامي قاچار و سرود ملي ايران را ارسال كرد .

در زير فهرست كپيه معاهداتي كه ترجمه و يا كپيه فرانسه آن توسط آندره ئيني به وزارت خارجه ايتاليا فرستاده شده است، ذكر ميشود : پروتكل تشريفات سياسي ضميمه معاهده تركمن چاي ميان ايران و روس (۱۸۲۸) اعطاي امتياز به «فالكن هاگن» براي ايجاد راه آهن (۱۸۷۴) معاهده مربوط به اعطاي امتياز به «تولوزان» براي ساختن سد اهواز (۱۸۷۸) معاهده بين ايران و روس در مورد مرزهاي تركستان (۱۸۸۱) معاهده محرمانه بين ايران و روس (۱۸۸۳) .

از طرف ديگر اسناد بسيار با ارزشي كه گاه از فارسي به ايتاليائي ترجمه شده و گاه اصل فرانسوي آن ذكر شده است به ضميمه گزارشها ارسال شده است، مانند : نطق «دوبسكي» Dubsky وزير اطريشي خطاب به شاه موقعيكه به دربار پذيرفته ميشود (ژانويه ۱۸۷۳)، نامه هائي از ناصرالدين شاه به حاج ميرزا حسين خان (سپتامبر ۱۸۷۵، نوامبر ۱۸۷۸)، نامه اي از دكتور تولوزان به وزير فرانسوي در ايران (اكتبر ۱۸۷۸)، نامه سلطان برمه به ناصرالدين شاه (مارچ ۱۸۷۴)، گزارش گاستيگر در باره بلوچستان ايران (۱۸۸۱) فرمان هاي افتخار و القاب جمع آوري شده توسط بارون ل. دو نورمن De Norman (۱۲۹۰ - ۱۲۵۹ هجري ۱۸۷۳-۱۸۳۶ ميلادي) و نقشه جغرافيايي محل جنگ آسياي

۹- راجع به شرح بسيار با ارزش «آندره ئيني» در باره زندگي ميرزا ملڪم خان، اين مقاله مرا ببينيد :

«Per una biografia di Mirzâ Malkom Xân, Materiale e documenti.»  
Annali, (Istituto Universitario orientale di Napoli). XIX 1969, PP. 361-385.

مرکزی که توسط زینوویف Zinoviev وزیر روسی در تهران کشیده شده است. (۱۸۸۰)

همچنین گزارشهای اختصاصی دیگری با ارزش بسیار زیاد توسط (آندره ئینی) تنظیم شده اند، مانند نگاهی به اقتصاد، تجارت و تشکیلات اداری ایران در ۱۸۷۳ و برتر از همه گزارشی از سازمانهای نظامی ایران که با وجود محدود بودنش به شرح پیاده-نظام ایران (قسمت دوم گزارش مربوط به قسمت های دیگر ارتش مفقود شده و یا هرگز ارسال نشده است) از ماهیت و کمیت خبری بسیار با ارزشی برخوردار است: یک شرح کلی از میزان حقوق ها، فهرست رتبه ها و درجه ها با واژه های تکنیکی مربوط، تقسیمات فرعی و اسامی گردان های متعدد «تومان» ها، توضیحات تاریخی درباره تجدید سازمان نظامی تحت سلطنت قاجاریه، و غیره به این گزارش «طرح تجدید سازمان ارتش ایران» که توسط «آندره ئینی» تهیه و به ناصرالدین شاه تقدیم شده بود ضمیمه است (۱۸۷۵).

بهترین این گزارشها احتمالاً همان اطلاعات نظامی هستند که شامل نقل و انتقالات سپاه ایران، دوره های آموزشی آنان، مانورها، رژه ها (گزیده شماره ۱ را ببینید)، بدعت ها و نوآموزیهائی که توسط مربیان اروپائی در ارتش رواج یافته بودند و شرح شورشهای متعدد که مرتباً ضبط شده اند. صرف نظر از مطالعه و برداشت شخصی از وقایع او اطلاعات محرمانه و دست اول را توسط دوستان و مراودینش که او را در جریان هر واقعه ای می گذاشتند بدست می آورد: وقایع سیاسی و اقتصادی، شورش های قبایل و عشایر، تاخت و تاز کردها، درگیریهای سیاسی و حتی چگونگی محصول (گزیده های ۶ و ۷) و آب و هوا اغلب یادداشت شده اند طبیعتاً گاهی اوقات نیز اطلاعات او از منابع دست دوم، مانند روزنامه ها تأمین و یا به آنها اشاره میشد.

در مورد منابع شخصی گاهگاه آنها را نقل کرده است: کلوزل Cluzel فرستاده روحانی به ایران ساکن ارومیه درباره مسائل مربوط به آذربایجان و موقعیت آنجا، (گزیده ۳)، کلنل ذوالفقارخان<sup>۱۰</sup> وابسته نظامی و ناظر دولت ایران در هیأت اعزامی روس به آسیای مرکزی و تعدادی از وزراء اروپائی در تهران بخصوص وزرای فرانسوی، اطریشی و روسی در باب مسائل سیاسی منابع او را تشکیل میدادند در مورد پیشرفت روسیه در آسیای مرکزی که در آن روزها با قدرت و قطعیت انجام میگرفت و کشمکش‌های میان روسیه و انگلیس و همانطور در مورد موقعیت افغانستان، اطلاعات «آندره ئینی» بعلت عدم دسترسی به منابع کافی، تازه و مستقیم نیست، ولی آثار و نتایج مسئله آسیای مرکزی در ایران همواره مورد اشاره واقع شده است که این خود بسیار جالب است زیرا از یکسوی چگونگی انتساب قضیه را به ایران نشان داده و تأکید میکند و ازسوی دیگر قضیه را با برداشتی روشن و بیطرف از دید سیاسی و نظامی تحلیل میکند (گزیده شماره ۸)، که این نیز بنوبه خود بسیار با ارزش است زیرا تمام اسناد و مدارکی که تاکنون درباره این وقایع منتشر شده متعلق به دولتهای ذینفع بخصوص ایران و روسیه بوده است. ۱۱ مجموع گزارشهای مربوط به مسئله آسیای مرکزی قسمت عمده‌ای از

۱۰- به احتمال قریب به یقین «مشیرالممالک» نیز از جمله این منابع بوده است، او از اصل ایتالیا و نام حقیقی وی «نیکولاسمینو» و پسر «بارتولومئو سمینو» افسر سپاه ناپلئون بود که در اوایل قرن ۱۹ به ایران مهاجرت کرده بود. («داسنان ژنرال بارتلمی سمینو» نوشته محمدکاظم گیلانپور، مجله یادگار سال پنجم شماره‌های ۴-۵، آذر و دی ۱۳۲۷ صفحه ۳۲ به بعد).

۱۱- برای نمونه کتاب جدید زیر را ببینید:

F. Kazemzadeh: «Russia and Britain in Persia. 1864-1914» New Haven, London 1968.

با لیست کاملی از فهرست منابع و مأخذ (صفحات ۶۹۸ - ۶۸۱).

گزارشها را تشکیل میدهد ولی با وجود این بخش مستقلى را در برنمیگیرد زیرا چنانکه گفته شد این وقایع همواره از نظر تأثیرات و عکس‌العمل‌هائی که در ایران ایجاد کرده‌اند مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

همانطور که قبلاً ذکر شد این گزارشها شامل گنجینه‌ای از شرح حوادث و اطلاعات داخلی ایران است: بخصوص گسترش تشکیلات دولت در پایتخت و ایالات (گزیده ۵) وضع تجارت و کشاورزی، هرج و مرج‌ها و شورش‌ها، اغتشاشات خارجی که در مرزهای شرقی با حملات ترکمن‌ها و در سرحدات غربی با تاخت و تاز کرد‌ها حادث شد (گزیده ۳)، مبادله هیأت‌های سیاسی، وقوع بلایا و حوادث، شیوع امراض مسری، رفت و آمد مسافران (گزیده ۷) و هیأت‌های مخصوص (بخصوص هیأت‌های نظامی)، همه دقیقاً شرح داده شده‌اند. در مورد روابط سیاسی طبیعتاً توجه مخصوص به آن قدرت‌هائی شده است که در تماس مستقیم با ایران بودند بخصوص روسیه، بریتانیا و ترکیه (گزیده ۲)، ولی روابط ایران با سایر دولتهائی چون برمه، ژاپن، اطریش، واتیکان، آلمان و همچنین ایتالیا از نظر دور نمانده‌اند.<sup>۱۲</sup>

نمایندگان سیاسی و سفرا نیز که اعتبار آنان از جانب دولت ایران برسمیت شناخته شده بود منظمأ گزارش شده‌اند و همچنین تأثیر وقایع کشورهای دور چون سودان بر اوضاع ایران، سرانجام برخوردهای میان اعضاء دولت و شاه نیز با ذکر جزئیات ذکر شده و مورد توجه بوده است (گزیده ۴) و اغلب با قضاوت‌های جالب و

۱۲- تا آنجا که من میدانم هیچ کتابی راجع به روابط ایران با آن کشورها

منتشر نشده - به استثنای کتاب زیر:

M. Bradford: «German. Persian diplomatic relations, 1873-1912» The Hague 1959.

مؤثر سیاسی و اخلاقی در مورد اشخاص ذینفع ذکر شده در گزارش همراه شده است (که این نیز نتیجه شخصیت خاص «آندره ئینی» است) (گزیده های ۷ و ۱۰).

بدین ترتیب ما منابعی بسیار اصیل از تاریخ قاجاریه در اختیار داریم، از نوع منابعی که میتوان آنرا کم و بیش سیاسی نامید. حتی اگر دوران قبل از ارسال گزارش‌هایی که معهداً با آن مربوط بوده و مداوماً به آن اشاره میشود، در نظر نگیریم (برای نمونه بیوگرافی ناصرالدین شاه و اسناد ضمیمه آن که در صفحات قبل به آن اشاره شد)، مدت زمانی را که این گزارشها دربر میگیرند یعنی پانزده سال، بسیار قابل ملاحظه است. شاید بتوان ادعا کرد که هیچ منبع سیاسی برای دوران قاجار که نویسنده آن فقط یک نفر بوده و تا سالها آنرا ادامه داده باشد لااقل در میان مآخذ منتشر شده بجز این وجود نداشته باشد به این مسئله نیز باید توجه کرد که این مآخذ ایتالیائی از این مزیت نیز برخوردار است که توسط يك نویسنده بیطرف که از بینش سیاسی روشن و احساسات قوی اخلاقی برخوردار بوده، نوشته شده است. سرانجام ملاحظات زیر را نیز نباید نادیده گرفت: اولاً ما هیچ منبع منتشر شده تاریخی کامل حتی به فارسی درباره این دوران تحت مطالعه نداریم. ثانیاً ۱۵ سال مورد بحث که از (۱۸۷۱ تا ۱۸۸۶ میلادی) را دربر میگیرد، ویژگیهای جالبی را ارائه میدهد، زیرا که این مدت که قسمت اعظم آن در تحت صدارت حاج میرزا حسین خان سپهسالار اعظم سپری شده دوران تجربی واقعی در زمینه برداشت‌های جدید سیاسی (که از اروپا سرایت کرده بود) <sup>۱۳</sup> در انقراض تشکیلات قرون وسطائی دولت ایران و متوقف شدن عادت مشئوم اعطای امتیازات

۱۳- مانند «دارالشورای کبری» که در ۱۸۷۱ تأسیس شد، (درباره آن رجوع کنید به :

اقتصادی به هیئت‌های خارجی و آغاز سفرهای شاهانه (گزیده ۶) می‌بود و بطور خلاصه عمیق‌ترین بحران قاجار را قبل از آغاز دوران جدید که با انقلاب مردم برضد امتیاز تنباکو (۱۸۹۰) شروع گردید و اوج انقلاب در ۱۹۰۵ که سرانجام به انقراض قاجار منجر شد، دربر میگیرد.

### گزیده‌ها

برای شناسائی بیشتر با جزئیات و مشخصات گزارش‌های «آندره‌ئینی» بعنوان نمونه قسمتهائی از آن گزارشها در اینجا ذکر میشود و امیدواریم که بتوانیم درآینده آنها را بطور کامل منتشر کنیم و مقدمه جامعی نیز به آن بیفزائیم (تمام گزارشهای ذیل از تهران ارسال شده است).

۱- گزارش شماره ۸۴ به تاریخ ۲۸ سپتامبر ۱۸۷۵ در ۲۶ این ماه دسته‌ای که اردوگاه آموزشی را در تهران تشکیل میدهند، من در گزارش‌های قبلی خود عالیجناب را از آن مستحضر گرداندم، با شکوه و وقار به شهر وارد شد. گروهی از سربازخانه به استقبال رفتند ۲۱ تیر توپ ورود دسته را خوش آمد گفت و جمعیت عظیمی گرداگرد آنان که به پیش میرفتند جمع شده بودند.

این اردوگاه که در حد خود باشایستگی ترتیب داده شده و ظاهری ارتشی داشت مدیون چند موفقیت سپهسالار بود که زیرکانه توسط

A. K. S. Lambton, Hukûma - Perse, Encyclopédie de L'Islam, 2nd ed., III 1967, PP. 573-4.

و آندره‌ئینی تحت تأثیر آن واقع شده و با اعتقاد به اینکه «ایران در راه اصلاح حیاتی گام بر میدارد» و درآستانه یک «دوران استثنائی» است درصدد برآمد تا با ارسال گزارشها درجهت منافع دولت ایتالیا خدمت کند (نامه «آندره‌ئینی» را به وزیر خارجه ایتالیا ببینید).

خود او و با تدبیرهای خاص او اداره شده بود علاوه بر يك اردوگاه نظامی، جشن‌های متعددی نیز در آنجا برپا شد، از جمله رژه‌های بزرگ، میهمانی‌های سیاسی، جشن‌هایی که در آن همه گروه و سربازان شرکت جستند، چراغانی و غیره چندین بار [سپهسالار] اعلیحضرت را دعوت کرد که هر بار با تشریفات بسیاری مقدم او را گرامی داشتند و ورود و خروج اعلیحضرت باشلیک توپخانه اعلام میشد. دو مانور بزرگ انجام شد که در یکی از آنان که بر اساس و طرح اروپائی بود، و عالیجناب در گزارشهای سابق من از آن مطلع شده‌اند، همه وسایل ارتشی بکار گرفته شد. بدنبال این مانور يك ضیافت سیاسی بالباس یونیفورم برای ۱۳۰ نفر در ۳۱ اگوست ترتیب داده شد، برای پذیرائی شاه و هیأت‌های خارجی هر کدام ۲۱ تیر توپ شلیک شد. اردوگاه چراغانی شده بود و بعد از شام آتش‌بازی بسیار جالبی انجام شد.

اما آنچه که امیدهای مشیرالدوله را بارور و رضایتش را کامل ساخت و بدخواهانش را پراکنده کرد، مانوری بود که در ۱۸ سپتامبر در دوشان‌تپه انجام گرفت و در آن ۱۶ گردان، ۱۳ آتشبار توپخانه و در حدود هزار و پانصد سواره نظام شرکت جستند. به این جشن نظامی نمایندگان سیاسی دعوت شده و ناظر اجرای مانور بودند و فقط وزیر اطریش و هنگری «کنت دوبسکی» بعلت مسافرت غایب بود مانور يك موفقیت کامل بود، عملیات بسیار ارزنده و پرتحرک بود، آتشبار قوی و رژه خوبی رهبری میشد. این مانور خط‌جنگی را نشان میدهد که رأس آن از چهار آتشبار برای پیشروی تشکیل شده و پیاده نظام در رده بندی منظم آنرا پشتیبانی میکرد و گروه زیادی سواره نظام در انتها برای بدونیم کردن خط دشمن، بعد از آنکه با عملیات مختلف در قسمت جلو بشدت آنرا در تمام طول خط از هم میپاشند. پهلوها هر کدام توسط ۴ آتشبار و سواره نظام حمایت

میشد. چهار گردان و یک آتشبار شامل ۸ دستگاه توپخانه گروه ذخیره را تشکیل میداد که عملیات رادرتول خط اصلی تعقیب میکرد. خشنودی همگانی بود. اعلیحضرت سخاوتمندانه تمام افرادی را که در رژه شرکت کرده بودند تشویق کرد موقعی که افراد رژه میرفتند شاه خنجر الماس نشانی به سپهسالار هدیه داد که ارزش آن آشکاراً بیش از ۲۰ هزار فرانک بود.

اعلیحضرت در هنگام ورود به چادری که اختصاص به نمایندگان سیاسی داده شده بود داخل شد و شخصاً جویای سلامت همه حاضران گردید. بعداً [یکنفر را] فرستاد تا از نمایندگان قدرت های خارجی که دعوت او را پذیرفته بودند تشکر کند. نمایندگان سیاسی نیز به نوبه خود حکیم الممالک (میرزا علی نقی) را برای عرض تبریک ترقی ارتش به حضور اعلیحضرت فرستادند و وزیر انگلیسی، مستر «تومسون» شخصاً نطقی باین مضمون ایراد کرد: من مدت درازی است که در ایران زندگی میکنم و اغلب شاهد اجرای مانورها و رژه های نظامی بوده ام، ولی هرگز بخاطر ندارم که چیزی شبیه آنچه که امروز انجام شد دیده باشم. فرمانده کل مانور ژنرال «آندره ئینی» بود (اینجانب).<sup>۱۴</sup>

بعلت وقوع چند حادثه که طی آن سه نفر از تفنگداران جان خود را از دست دادند، روز پایان غم انگیزی بخود گرفت. دو نفر از آنان در دم جان سپردند.

تمام حرم شاه از درون خیمه هایشان جریان مانور را نظاره میکردند. معزدا حقیقت غم انگیزی است که تمام این نمایشات فقط سطح پر زرق و برقی را نشان میدهند، درحقیقت همه آن سطحی است و ارتش کماکان مانند سابق فاقد همه چیز است ارتش ایران

۱۴- آندره ئینی که معلم دارالفنون نیز بود کتابی درباره مانورهای نظامی بنام «حرکت افواج» از فرانسه به فارسی ترجمه کرد.



دستگاهی است که شباهتی با دیگران ندارد و تنها جنبه شگفت‌انگیز آن در اینست که به بقاء خود ادامه میدهد و کم‌وبیش کار میکند. اردوگاه خوی نیز در همان روز برچیده شد.

۲- گزارش شماره ۱۱۴، به تاریخ هیجدهم فوریه ۱۸۷۷  
 دیروز «منیف پاشا» برای تودیع به حضور اعلیحضرت که بیش از همیشه نسبت به این فرستاده ترك مهربان بود، باریافت. اعلیحضرت «پاشا» را بآن مفتخر کرده که شخصاً صمیمی‌ترین آرزوهای شاهانه را، در تحکیم روابط دوستانه که هم‌اکنون میان دو کشور وجود دارد، به سلطان ابلاغ کند. ظاهراً فرستاده ترك در تشکر از الطاف اعلیحضرت بعرض رسانید که او امیدوار است این بیانات را که او مفتخر است بعرض سلطان برساند بزودی بجامه عمل درآید و با بهره برداری از موقعیت نامه‌ای را که اخیراً از بغداد برای او ارسال شده بود و او را در جریان اغتشاشات مرزی درحوالی محمره، که توسط يك گردان از پیاده نظام ایران ایجاد شده، گذاشته بود به اعلیحضرت نشان داد شاه بشدت از وزیر خارجه خود که در جلسه حاضر بود ابراز دلتنگی کرد و دستور داد که فرمانده گروه سریعاً برای محاکمه به تهران اعزام شود.

۳- گزارش شماره ۲۰۱ به تاریخ سی‌ام نوامبر ۱۸۸۰ در انجام وظایف خود به مستحضر کردن آنجناب از اوضاع آذربایجان در تعقیب گزارشهای شماره ۱۹۳ و ۱۹۶ پانزدهم اکتبر و دوم نوامبر گذشته باطلاع میرسانم.

از آنجا که در تهران اخبار جدیدی درباره موقعیت آن ایالت وجود ندارد و من نیز قادر نیستم به تمام شایعاتی که با سرعتی مسخره‌انگیز رواج یافته و یا تکذیب میشوند توجه کنیم ناچار هستم بهمان اخبار چند روز قبل که ابدأ اطمینان دهنده نیستند اکتفا کنم. گزارشهایی که از مقامات بسیار بالا واصل شده حاکی از بروز

وقایع ناگواری در آن منطقه هستند. هر کجا که این گروه (کردها) با مقاومتی روبرو نشدند، شقاوت چندانی از خود بروز ندادند و گاهی فقط به ربودن آنچه که در دسترسشان بود اکتفا کردند ولی در هر کجا که به مقاومتی برخوردند آرام نشدنی بوده و همه چیز را با شمشیر و آتش ویران ساختند در روستاهای میاندوآب، همانطور که در گزارشهای قبلی اشاره شد، مرتکب اعمالی شدند که تاکنون سابقه نداشت آنها بر روی ساکنان که در جستجوی پناهگاهی میگریختند آتش کردند و اطفال نیز در امان نماندند بیش از دوهزار نعش کوچه‌ها و اطراف آن محل‌ها را پوشانده‌اند. تمام لاهیجان و سولدوز بیش از بیابانی نیست.

این راهزنان از همه جهات دشت ارومیه رامورد تاخت و تاز قرار دادند و به هیچ چیز حرمتی نگذاشتند. بیش از صد روستا از میان رفته‌اند. شیخ عبیدالله که بعداً معلوم شد سرکرده کردها بوده است، در حوالی ارومیه که اخیراً سپاه خود را بکرات به آنجا رانده است، می‌باشد. او به «لازاریست‌ها» میسیون مذهبی فرانسوی ساکن این شهر اطمینان داد در صورتی که آنان قصد خروج از شهر را داشته باشند از امنیت کامل برخوردار خواهند بود چون او میل ندارد پس از تصرف شهر وقتل عام مردم آنجا آسیبی متوجه میسیون مذهبی شود. ساکنان ارومیه تحت فرمان ژنرال بیوک خان به خوبی جنگیده و از خود با قدرت بسیار دفاع کردند و آنان که توانائی حمل اسلحه داشتند در میدان شهر تحت نظر او تمرین کرده و بسوی دشمن روانه شدند.

تمام شهرها و یا روستاهای بزرگی که قابلیت تدافعی بیشتری داشتند از مردمی که به آنان پناه آورده‌اند و از رنج و گرسنگی تعداد آنان بشدت تقلیل یافته است، مملو شده‌اند. در مسکن لازاریست‌ها بیش از ششصد نفر زن و بچه پناه آورده‌اند و بهمان تعداد هم به

خانه‌های سلماس و خسروه روی آورده‌اند نان هیچ‌کجا پیدا نمیشود زیرا نابودی آسیاب‌ها در روستاهای اطراف رودخانه‌ها تهیه آرد را غیرممکن ساخته است، در حال حاضر بجای آن گندم پخته مصرف میشود، ولی بزودی این نیز به اتمام رسیده و چشم‌انداز زندگی این مردم بسیار وحشتناک خواهد بود.

همه گروههایی که به عرصه نبرد رهسپار شده بودند به مقصد خود رسیده و شاید هیجده تا بیست هزار نفر در آنجا گردهم آمده‌اند سپهسالار نیز شخصاً از تبریز به آنجا رفته است. با وجود این همه اخباری که بمامیرسد غیر مطمئن و ضد و نقیض است و هیچ‌کدام از آنها برای دولت نویدی را دال بر استقرار دوباره نظم، در بر ندارد حتی برخلاف آن، چنان بنظر می‌آید که خود سربازان شاه مقصر در ایجاد هرج و مرج واقعی باشند به مناسبت این مسئله از عالیجناب اجازه می‌طلبیم تا قسمتی از نامه کلوزل، اسقف «آراکلئا» و نماینده آپوستولی در ایران را که تصویر غم‌انگیزی از موقعیت منطقه و مردم آن بدست میدهد، ضمیمه کنم. واقعاً رهبری عبور منظم گروهی که فاقد همه وسایل و آموزشها است از يك منطقه مسکونی مشکل است.

از مدت‌ها قبل دولت ایران وقوع حوادث ناگواری را پیش‌بینی کرده حکام ایالات را نیز هشدار داده بود، ولی این حکام که مانند معمول دستورات را نادیده میگیرند هیچ اقدام احتیاطی برای آینده بعمل نیاورده بودند. کردها خودشان نیز متحمل زیانهای سنگینی شدند، یکبار چنان شایع شد که شیخ محاصره شده و در آستانه دستگیری است، و اکنون میگویند که او باتنی چند از همراهانش بسوی مرزهای ترکیه عقب‌نشینی کرده است. یکی از پسرانش بسختی مجروح شده است.

دولت ترکیه روابط بسیار حسنه‌ای با ایران دارد و اطمینان داده است به پشتیبانی ایران بر ضد شورشیان اقدامات قطعی بعمل

خواهد آورد. اعلیحضرت شاه موقع را مغتنم شمرده و رضایت خود را به عالیجناب «فهری بی» سفیر دولت عثمانی در دربار ایران اظهار کرده است.

در میان مردم ایران نظریه شایع آنست که عثمانی خود یکی از علل این آشوب بوده و یا حداقل اقدامی در جلوگیری آن بعمل نیاورده است زیرا در میان کردهائی که به آذربایجان هجوم آوردند بسیاری اتباع ترکیه نیز وجود داشتند.

۴- گزارش شماره ۲۵۰ بتاریخ ۲۳ می ۱۸۸۲ در سالهای اخیر روحانیون کاتولیک تمایل بسیاری به گسترش خود در تهران آشکار ساخته اند.

پس از چند اقدام بی نتیجه، یک میسیون کاتولیک مشتمل بر دو کشیش لازاریست، تحت حمایت فرانسه در سال ۱۸۶۰ در تهران مستقر شدند، این میسیون صلح جو در ابتدا به آن کفایت کرد که در خانه کوچک و ساده ای اقامت کرده و یکی از اطاقها را تبدیل به سالن خطابه کند. قناعت آنان چندان بطول نیانجامید و بزودی اقدام به تهیه مسکن راحت تری برای خود کردند. چندی بعد آنها زمینی نیز خریداری کرده و در آن یک خانه زیبا، یک نمازخانه کوچک و سپس یک کلیسا به سبک گوتیک ساختند که کار آرشیتکت اهل ساووا Savoy ، بوانییر Bovanier بود. بعد از مدتی زمین های بیشتری خریداری کرده و اقامتگاه بزرگی برای راهبها ساختند و چند سال بعد ساختمان باشکوهی برای مدرسه ، حمام ، رختشویخانه و غیره برپا کردند.

دولت ایران گاهگاه موانعی ایجاد میکرد که بامداخله سفارت فرانسه این اشکالات برطرف میشد.

ميسيون اكنون از دو كشيىش و ۹ راهبه تشكيل شده كه از خانه ها، كليسا، مدارس و باغها كه يكي از آنان به ۵۰۰۰ مترمربع ميرسد، و وسايل رفاه ديگر استفاده ميكنند.

ولى افزون طلبى آنان هنوز خاتمه نيافته است و اخيراً اقدامات خود را در قسمت ديگر شهر نيز آغاز كردند و لى وقتى كه شروع بساختن كليسا كردند، دولت بطور قطعى از كار آنان جلوگيرى كرد. حادثه اى كه قابل ذكر است انگيزه اقدامات شديد دولت بود. يك پسر ده يا دوازده ساله اتفاقاً بر سر راه شاه واقع شده كه بعنوان كودكى مستعد و بسيار پر قريحه به شاه معرفى گرديد. اعليحضرت از او پرسيد كه چه ميداند و پسر در جواب دعائى را ب زبان فرانسه خواند. اعليحضرت سؤال كرد كه او چه ميگويد و يكي از ملتزمين جواب داد كه او يكي از دعاهاى كاتوليك را ميخواند اعليحضرت باو گفت كه حال يكي از دعاهاى مسلمانان را بخواند و پسر جواب داد كه آنها را نمى داند. شاه از او سؤال كرد چگونه تو دعائى مسيحيان را ميدانى و لى دعائى مذهب خودت را نميدانى و چه كسى آنها را بتو مياموزد. و پسر جواب داد كشيىش هاى ميسيون فرانسوى. اين قضيه سبب عدم رضائت شاه گرديد. چندين بعد ملاها اين واقعه را دانستند و سروصدائى زيادى در اطراف آن برپا انداختند و با انتشار فرمانى كه ساختن كليساهاى جديد را ممنوع ميكرد آنان راضى شدند.

سفارت فرانسه بار ديگر براى خاتمه دادن به قضيه كه ممكن بود عواقب ناخوش آيندى براى تمام اروپائيان ساكن تهران داشته باشد، مداخله کرده است.

در گزارش شماره ۲۵۹ افتخار داشتيم كه به اطلاع آن وزارتخانه معظمه برسانم چگونه اعليحضرت، «يوسف خان» را كه تصور ميشد

نویسنده مقاله‌ای در روزنامه «اختر» چاپ قسطنطنیه بتاريخ ۳۰ اگوست برضد کابینه ایران است، بشدت تنبیه کرد. علیرغم آن، مقاله مزبور شاه را به تعمق انداخت. از آن لحظه او در فکراجرای طرح کابینه جدیدی بود که آنرا در اوایل نوامبر از شهرستانک، شکارگاهی در آنسوی البرز، اعلام کرد. که بشرح زیر است :

امور داخله : یوسفخان مستوفی

جنگ : والاحضرت نایب السلطنه .

امور خارجه : میرزا سعیدخان

دربار، گمرک، مالیه، : امین السلطان آقا ابراهیم .

کاخ دارائی : مستوفی الممالک

دادگستری : مشیرالدوله یحیی خان

تجارت و زراعت : ناصرالدوله میرزا علی خان

پست و اوقاف : امینالدوله میرزا علی خان

هنرهای زیبا : ژنرال جهانگیرخان

معاون، تلگراف و فرهنگ : مخبرالدوله علی قلی خان .

بعداً افتخار خواهم داشت تا درباره این وزارتخانه و فعالیت آن بار دیگر عالیجناب را مستحضر گردانم . واقعه‌ای که میتوانست برای سایرکشورها بسیار مهم تلقی شود ، برای ایران بسیار بی اهمیت بود وحتی اشخاص ذینفع هم علاقه بسیار کمی به تشکیل کابینه جدید نشان میدادند . علاوه برآن يك وزارتخانه در ایران تاکنون فاقد آن ارزشی بوده است که درکشورهای اروپائی برای آن قائل هستند . در اینجا وزارتخانه هرگز يك ایده سیاسی را دربر نداشته و هیچ برنامه‌ای را در بر ندارد . از آنجاکه وزراء باهم پیوند ویکپارچگی ندارند ، يك یادو یاسه نفر از آنان میتوانند وزارت را ترك کرده و

دوباره به آن بازگردند، درحاليکه ديگران با آرامش کامل در سرپست خود باقى مانده اند. يك وزير کارمندی است مانند سايرين که بخواست شاه به اين سمت منصوب شده و تا آنجا که اراده شاه باشد در اين سمت باقى خواهد ماند و برکناری او بعلت عقايد سياسی او نيست بلکه همواره نشان بی لطفی شاه است که با تنبيه شخص او و يا اخذ املاکش ادامه مي يابد. کثرت عقايد بهمان اندازه تعداد وزراء است که معمولا ميان خود بخصومت مي پردازند آنها مراقب هم بوده، يکديگر را مي فريبند و شکايت مي کنند و اين مانع از آن نيست که بهم سلام داده، خوش آمدگفته تملق همديگر را گفته و مسلمان متعصب کنار آزاده فکری بنشينند و مصلح با عقب مانده بياميزد، بدون کمترین اثری از ناسازگاری اختلاطی از مردم و از نظريات مختلف است که همواره بر تصميمات همديگر، که بعد از اطلاع از چگونگی خواست شاه انجام مي گيرد، روی موافق نشان مي دهند. با تعداد بسيار کمی افراد لايق که در وزارتخانه هايشان خدمت مي کنند، درشورها نفوذ افراد محدود به دو سه نفر ميشود که هيچ کس يارای مخالفت با آنان را ندارد.

فقط در سه سازمان از برخی تشریفات خاص پيروي مي کنند، اول وزارت امور خارجه بعلت روابطی که با نمايندگان سياسی مختلف دارد، دوم وزارت جنگ بعلت اهميت آن و سوم وزارت داخله. اين وزارتخانه که برای مدتی طولانی توسط شخص بانفوذی<sup>۱۵</sup> اداره ميشد همه قسمتهای ديگر را که فعاليت آنان در گرو اين وزارتخانه بود، بخود جذب کرده است. فقط اين سه وزارتخانه مقری در دربار داشتند که وقتی خود وزير نبود عموم مردم ميتوانستند بانجا وارد شوند. ساير وزارتخانه ها هيچ محل مناسبی

۱۵- منظور ميرزا يوسف خان مستوفی الممالک است که در گزارش نهم ذکر او آمده است.

ندارند فاقد کارمند و بودجه هستند ، وزیر همه کارها را درحالیکه خدمه اش با پرونده ها بدنبال او بودند ، انجام میدهد کابینه وزیر هرکجا که او بود تشکیل میشود .

این سازمان جدید که نکات مهمی در آن یافت میشود شاید بتواند موجب اصلاحاتی بشود که ایران سخت بآن نیازمند است .  
از هم اکنون شوراهای متعددی برای کمک به سازمان های اداری عمومی تشکیل شده است .

۵- گزارش شماره ۲۸۷ بتاريخ ۲۸ ژوئن ۱۸۸۳ اعلیحضرت در ۱۴ ژوئن سرانجام حومه تهران را بقصد زیارت مشهد مقدس ترك نمودند . این سفر مورد تأیید نبود و اعلیحضرت از هر جانب بامخالفت روبرو شد . اطرافیان متنفذ شاه و حکامیکه در مسیر موکب ملوکانه قرار دارند باتوصیف فقر و بیچارگی رعایای خود ابراز کردند که موکب شاهانه در طول راه احتمالا قادر به تأمین احتیاجات لازمه نخواهد بود درباریان و حکام هردو درجهت حفظ منافع خود میکوشیدند گروه اول برای اینکه به يك سفر دراز و خسته کننده در قلب تابستان اقدام نکنند و گروه دوم برای آنکه ایالات خود را از عواقب ناگواری چون اعمال قدرت و خرابی که همیشه زاده يك چنین موقعیتهائی بود حفظ کنند . شاه همه این مخالفت ها رانادیده گرفت ، او حاکم سمنان و دامغان را که بیش از دیگران پافشاری کرده بود عزل کرد ، دستور داد که آذوقه همراه کاروان حمل شود ، فرمان حرکت داد ، این به همه تردیدها خاتمه داد .

بهر حال مسلم است که اگر موانع ذخیره خواربار برطرف نشود ، بهای غلات بشدت افزوده خواهد شد . حدوث این امر اجتناب ناپذیر بنظر میآید ، ارتش روس که قسمتی از آذوقه خود را از خراسان تأمین میکند هم اکنون یکی از علل اشکالات بزرگ اقتصادی این مردم است ، ایرانیها فقط در حد احتیاجات خود تولید میکنند و



ازدياد پيش بينی نشده در مصرف فوراً باعث قحطی و تنگدستی میگردد .

اينجا شايد جالب توجه خواهد بود که آماری از موکب شاهانه که مانند شهری در حال سفر است ، بدھيم :

شاه و خانواده اش - ۲۰۰۰ سرباز پیاده - ۱۳۰۰ سواره نظام  
۲۰۰ فراش - ۳۰۰ تفنگدار - دويست توپچی باده دستگاه توپخانه  
۱۵۰ تفنگچی شتر سوار با ۲۰ دستگاه آتشبار کوچک و نامناسب - ۳  
گروه موسیقي که يك گروه از نوازندگان سنج سوار بر اسب تشکیل  
شده است - ۵۰۰ خدمه برای کارهای مختلف - ۱۰ نفر جلاد -  
گروهی از مردم که بععل مختلف همراه کاروان بودند و سرانجام  
يك بازار کامل با همه احتیاجات زندگی و همچنان کارگران حرفه های  
مختلف . جمعاً بیش از ۷ هزار نفر که در ۱۵۰۰ خیمه جای داده  
میشدند و از ده هزار رأس حیوان مختلف استفاده میکردند .

آرامش کامل در پایتخت که حاکم کل آن شاهزاده نایب السلطنه ،  
یکی از پسران شاه و وزیر جنگ است ، حکمفرماست .  
امروز دوک « شارتر » Chartres از طریق تفلیس ، باکو و  
رشت به تهران وارد شد .

۶- گزارش شماره - ۲۹۲ بتاريخ ۱۶ اگوست ۱۸۸۳

جدیدترین اطلاعات مربوط به اردوی شاه از کوشان واصل شد  
موکب شاهانه به آهستگی بسوی مشهد در حرکت است . اگر چند  
نفری را که از شدت گرما و کمبود آب تلف شدند مستثنی کنیم سلامت  
عمومی خوب است . چند بار نیز میان افراد گروه بخصوص پیاده  
نظام و توپخانه نزاع هائی در گرفت . يك کيفر قاطع بسبب شرقی  
کافی بود که نظم را دوباره برقرار کند .

شاه به بجنورد رفته در آنجا چند روزی اقامت کرد و «کوماروف»

ژنرال روسی و حاکم عشق آباد را بحضور پذیرفت او شاه را دعوت کرد و چنان بنظر میآید که اعلیحضرت قصد دیدار از این شهر جدید روسی را داشته باشد ، ولی این موضوع عملی نشد .

در ۲۲ ژوئیه در طی توقفی قبل از ورود به سبزوار ، آقا ابراهیم (امین السلطان) متنفذترین شخصیت ایران و صاحب منصبی که مناصب متعددی را بطرزی بیسابقه بخود اختصاص داده بود ، در گذشت . او از خانواده ای گمنام و آموزش ندیده بود بحدی که حتی خواندن و نوشتن را نمیداست ، ولی هوش و حافظه او خارق العاده بود . تعلق خاطر او به شاه آنقدر بود که علیرغم بیماری شدیدش خواستار شد که در این آخرین سفر همراه شاه باشد . او در کالسکه خود درگذشت .

برخلاف مشاغل پردرآمدش ، ثروت کمی از خود بجای میگذارد . بعلت مناصب عمده و پردرآمدی که عهده دار بود مخالفان فراوانی داشت که بیش از آنکه با او دشمنی کنند ، به او حسادت میورزیدند . او دوست داشت تا با گذراندن زندگی ساده و عاری از تجمل و رسوم تشریفاتی نشان دهد که منصوب به خانواده ای متوسط الحال است و همه را بخصوص فقرا که عملاً خانه او را احاطه میکردند ، میپذیرفت . وقتیکه از خانه خارج میشد لازم بود تا کالسکه اش مهیا باشد تا او فوراً سوار شده و حرکت کند ، چون در غیر اینصورت فقرا که به انتظار او می ایستادند شدیداً او را در بر گرفته و بدنبالش میرفتند او هرگز نمی توانست تصمیم بگیرد از مراجعه آنان ، که برای دیگران يك دردسر واقعی بود ، جلوگیری کند ، حتی آنها را بخویش میخواند و میگفت اگر من کاره ای شده ام نتیجه دعا های آنان است . در قم مکان زیارتی نزدیک تهران ، مقبره ساده ای برای او ساخته شده بود که حتی قبل از مرگش ملائی که ساکن آنجا بود ، هر روز برای اموات دعا کرده و مستخدمین کسانی را که برای دیدن قبور

می آمدند باقمهوه ویاسایر شربت های معمول ، پذیرائی میکردند . سن دقیق او معلوم نیست . هیچ ایرانی تاریخ تولد خود را نمیداند ، ولی او احتمالاً بین ۵۵ تا ۶۰ سال داشت . سه فرزند از خود بجای گذاشته است که همه در دربار مشاغل مهمی را بعهده دارند بافقدان امین السلطان ، شاه يك خادم وفادار ، بامحبت و باهوش را از دست میدهد . او مدالهایی از همه اروپا دریافت داشته و اخیراً نیز دولت ترکیه مدال بزرگ عثمانی را باو هدیه کرده بود .

اخباری که از پایتخت میرسد بسیار عالی است ، باوجود غیبت شاه آرامش کامل در آنجا برقرار است ، زیرا که محصول خوب در همه جا فراوانی آورده است .

اوضاع سلامتی و بهداشتی جایی برای آرزوی بیشتر باقی نمیگذارد و تمام مطالبی که در روزنامه ها نوشته شده بی اساس است . همانطور که افتخار داشتم باطلاع عالیجناب برسانم ، دوک شارترکه تهران را به قصد مازندران ترك کرده و طبق گزارشهای بعدی به «چیکیسلیار» و «کراس نوواسک» رفته بود در ۱۴ ژوئیه در حالیکه بیمار بود به تهران بازگشت و پس از تغییر مسیر دوباره از طریق رشت به روسیه رفت .

امسال بیش از سالهای گذشته در تهران مسافر بچشم میخورد . اخیراً نیز شاهزاده « لیل » و « بارون » « بنوامشین » به اینجا وارد شدند ، آنها از چین و از طریق سمرقند ، بخارا ، خیوه و مرو وارد شدند . در طول سفر آنها مجموعه خوبی از اسب و سگهای نژاد « لوریری » تشکیل داده اند .

۷- گزارش شماره ۳۷۲ بتاريخ ۲۰ مارس ۱۸۸۵<sup>۱۶</sup> اخبار تلگرافی واصله حاکی از آن است که انگلیس بیش از این حاضر به تحمل رفتار شوروی در آسیای مرکزی نیست، هرچه که حادث شود، این خبر تأثیر زیادی بر مردم گذاشته و همه جا صحبت از جنگی قریب الوقوع است. سرانجام گفته شد که موقعیت سربازان روسی و هیئت انگلیسی در آسیای مرکزی تاخاتمه مذاکرات بین طرفین بهمان صورت فعلی باقی خواهد ماند.

قسمت عمده این اخبار از طریق منابع اروپائی واصل شده است. نزدیکی مابه عرصه برخورد ها نیز سبب دسترسی سریع و دقیق تر به اخبار نیست. مکاتبه مستقیم بعلت بدی ارتباطات و عدم اعتماد به قاصدان محلی، با اشکال و کندی انجام میگیرد، خصوصاً که این قاصدان بعلت عدم فهم سیاست مسائلی را گزارش میدهند که هیچ اهمیتی در بر ندارد و آنچه را که مهم و قابل توجه است نادیده میگیرند و دیگر اینکه آنان عادتاً دروغ گو هستند کسبیکه بسهولت گفته های این راویان را میپذیرد مجبور است که با اخباری که امروز کسب کرده است، اخبار روز قبل را نفی کند.

از دو دسته ذینفع، انگلیس که بعلت جریان مداوم تلگرام های میان لندن و هند بهتر در جریان وقایع است، آنها را بشدت مکتوم نگاه میدارد. وزیر انگلیس آقای «تامسون» نامه های سیاسی را حتی

۱۶- نقشه ای از منطقه هرات - سرخس که توسط خود «آندره نینی» کشیده شده ضمیمه این گزارش است. باید تذکر داد که در این نقشه محل هائی که در آن زمان دارای ارزش نظامی بودند، مشخص شده اند و بسیاری از آنان را در نقشه های جدید نمیتوان پیدا کرد.

به‌منشی‌های خود دیکته نمیکند، شخصاً همه مکاتبات را انجام میدهند. به روسها دسترسی بیشتری میتوان داشت، ولی آنگاه همه اخبار از دیدگاه آنان و بدون وسواس در صحت حقایق است. اکنون که توجه اروپا به این مسئله که بطور تهدید آمیزی پیچیده‌تر میشود جلب شده است، لازم است که حقایق را دانست و اگر آن دو منازع نیروهای خود را بصوب حوضه هرات نرانند، در همین محل است که انگیزه‌های در هم پاشیدن صلح، که هدف همه دولتهاست پدیدار میشود.

اخبار جدید، که با رعایت کمی احتیاط، ابلاغ شده است حاکی از آن بود که ژنرال «لومسدن» ممکن است از طریق تهران یا سیستان، کرمان و خلیج فارس به هند رهسپار شود، اکنون، به موجب آخرین تلگرام‌ها به‌خلاف قبل گفته میشود که اودر «گورلن» که به آنجا عقب نشسته بود، خواهد ماند و همچنین گفته میشود که اودر گذرگاه «کارنان اسکان»<sup>۱۷</sup> به تقویت نیروهای خود می - پردازد علاوه بر آن گفته میشود که اسکورت میسیون انگلیسی آنطور که قبلاً ۴۰۰ نفر اعلام شده بود نبوده و بالغ بر ۱۲۰۰ نفر میشود. گروهی بعنوان مستخدم افراد همراه میسیون هستند، اما یکروز همه آنان مبدل به سرباز میشوند. همانطور که روسها ادعا میکنند پس از تسخیر مرو همه قبایل ترکمن «سالگور» و «ساروک» در

۱۷- این معبر احتمالاً همان معبر «چشمه سبز» کنونی است رجوع

کنید به :

Herât Sheet ni 41 of world 1 : 1,000,000 (Asia) Map of the army Map Service, Washington (Survey of Indian Map).

جنوب این شهر به آنان ملحق شدند، آنها تا آنسوی سرخس پیشروی کردند و روستاهای متعلق به این قبایل را اشغال کردند. بدین ترتیب آنان تا «آدامجلان» ADAMJELAN آمدند و آنجا بود که با عکس‌العمل انگلیس روبرو گشته و مجبور به عقب نشینی در طول خط سرخس شدند.

در این اثنا میسیون انگلیسی با هرات تماس حاصل کرده و به مردم آنجا تفهیم کرد که اگر دولت انگلیس موقعیت خود را در جوار آنان تقویت کرده است، فقط بخاطر جلوگیری از پیشرفت ارتش روس است و از آنجا که این اقدامات در جهت منافع آنان است، دولت انگلیس امیدوار است که مورد همکاری واقع شود و اضافه شده است که هرات به ژنرال «لومسدن» قول داده است در صورت بروز جنگ، ۸۰۰۰ نفر به کمک او بفرستد.

این اخباری است که ما در تهران بدست آورده‌ایم و میتوانم به عالیجناب اطمینان بدهم که این اخبار کم و بیش همانهایی است که سفارتخانه‌های مربوطه به دولت‌های خود ارسال کرده‌اند.

اکنون بیش از هر زمان دیگری دولت انگلیس باید از خطای قبلی خود در نادیده گرفتن ایران، احساس ندامت کند جائیکه در آن قدرت مطلقه بود و آنجا را به افغانستان، که باناسپاسی به این عمل پاسخ داد و حتی اکنون هم هیچ نصیبی از سپاس او به انگلیس نیست، تحت قدرت روسیه‌ها کرد. امروز با عقد قراردادی با ایران و یک جاده خوب از حاشیه خلیج فارس و مرزهای بلوچستان، اوقادر خواهد بود که خود را به

قلب معرکه برساند و حکم آن باشد .

راه درازی خواهد بود، ولی از میان مردمی غیرمتجاوز که بسمولت به اختیار انسان گردن می‌نهند. طرح ساختن این جاده در زمان جنگهای انگلیس و افغانستان ریخته شد ولی همچنین شایع بود روسها ایران را تهدید کرده‌اند که اگر زمانی یکنفر انگلیسی پای به بندرعباس بگذارد آنها گیلان را تسخیر خواهند کرد. در همان زمان این جریان را به استحضار آن سفارت معظم رساندم .

اکنون هرکسی که متحیر باشد در صورت بروز جنگ در دشت‌های هرات ، بفرض اینکه یکی از دو گروه متخاصم ایران را بهمکاری با خود بخواند چگونه خواهد شد، جواب بسیار ساده و مطمئن است: ایران هیچ‌کاری نمیتواند بکند. این مملکت فقیر و بدون سازمان است و فقط میتواند چند هزار سرباز در اختیار يك متحد بگذارد، بشرط آنکه طرف متحد تجهیزات در اختیار آنان گذاشته، حقوقشان را بپردازد ، غذایشان را تأمین کند و بر آنان فرماندهی داشته باشد . اما در مورد اسلحه آنان کاملاً مجهز هستند ، تفنگهای اطریشی و چند آتشبار در اختیار دارند که معیناً کالیبر آنان قوی بوده و استفاده از آنان در کشوری بدون راه‌های قابل عبور مشکل میباشد. بهر حال برای تمام این مجموعه مقدار بسیار محقری از مهمات در اختیار دارند. از آن گذشته سرباز ایرانی سرباز نیست با خصوصیات مشخص خود و هرکسی که بخواید يك مرد منظمی بروش اروپائی از او ساخته و مانند ما از خدمت او بهره بگیرد، کاملاً سرخورده خواهد شد . شورش خفیف مردم مشهد ، هیچ ارتباطی با وقایع

مرزهای خراسان ندارد و يك مسئله محلی است و انگیزه ناصردوله حاکم فعلی است، که مردی دسیسه گرو نالایق است .

۸- گزارش شماره ۳۹۲ بتاريخ ۷ سپتامبر ۱۸۸۵

کشتیرانی در دریای خزر انحصارا در اختیار روسیه است، ایران هیچ آزادی حتی برای قایقهای ماهگیری، در آنجا ندارد فقط به شاه یک کشتی برای استفاده شخصی تفویض شده است. کشتی بخاری کوچک فعلی که برای این منظور اختصاص داده شده، هدیه ای از امپراطور روسیه است . از طرف دیگر هیچ کشتی جنگی بدون اجازه دولت ایران نمی تواند به بنادر ایران نزدیک شود .

ایران فقط اجازه صید ماهی خاویار را در «مرداب»، خلیجی که از دریای خزر میان «انزلی» و رشت کشیده شده، دارد. این صید به مبلغ سالیانه ۵۰۰۰۰۰ فرانک به ارمنه، که تبعه روسیه هستند، اجاره داده شده است، ولی احتمالا دو برابر این مبلغ را عاید میکند. در خلیج فارس، با وجود آنکه قایقهای اعراب که به صید مروارید اشتغال دارند تحت حمایت دولت انگلیس است، فعالیت ایران آزاد است، علت حمایت انگلیس آنست که با وجود اینکه صید مروارید بدست اتباع انگلیسی انجام نمیشود، ولی سرمایه آنرا سرمایه داران هندی تأمین میکنند.

ولی تاکنون ایران هیچ وسیله ای برای فعالیت در خلیج فارس، حتی برای جلوگیری از قاچاق که بمقیاس وسیع در همه جا رواج دارد، در اختیار نداشت باین ترتیب برای اینکه این اوضاع سامانی بخود بگیرند ، ایران به «برامهاون» آلمان دستور ساخت کشتی



بخاری بزرگی (پرسپولیس) با ظرفیت چهار دستگاہ توپ و کشتی کوچکتری را برای استفادہ در طول ساحل ، داد.

این دو کشتی بخاری باملوانان آلمانی بہ بندر بوشہر وارد شد . اینک دولت ایران يك پرچم دریائی بشرح زیر برای خود انتخاب کردہ است: پرچم تجارت، سفید بانوارهای قرمز و سبز در بالا و پائین پرچم و نوار قرمزی در وسط . پرچم جنگ، با همان طرح و شیر زرد رنگ ایستادہ ای در وسط درحالیکہ شمشیری در يك پنجه و خورشیدی در پشت دارد . پرچم شاهی، شبیہ پرچم جنگ باضافہ تاج سلطنتی میان شیر و تیرک وزیر آن اسم شاه کہ اطراف آنرا دو شاخہ غار و بلوط گرفته اند .

حضرت اجل مخبرالدولہ (علیقلی خان) ، وزیر تلگراف، بسمت وزیر دریانوردی گماشته شد .

۹- گزارش شماره ۴۱۸ ، بتاریخ ۱۴ آوریل ۱۸۸۶

در پنجشنبه هشتم آوریل میرزا یوسفخان صدراعظم در تہران مرد. او بیشتر بالقب مستوفی الممالک نامیدہ میشود، لقب و عنوانی کہ از همان جوانی باو دادہ شدہ و از پدرش بہ ارث بردہ بود. علاوہ بر آن این افتخار و لقب برای چند نسل در خانوادہ او بود. او در حدود سال ۱۸۱۰ متولد شدہ بود. او با نفوذترین مرد ایران بود کہ حالہ ای از شہرت و اعتبار او را احاطہ کردہ بود، اما در حقیقت مرد کم ارزش و خود نگری بود. او دشمن پیشرفت بود و برعلیہ هر ایدہ تازہ ای مبارزہ میکرد. زندگی پرریاضت و سادہ ای رامیگذراند و خود را درویش مینامید . ولی هیچکدام از آنها مانع از این نشد کہ

او ثروتی بالغ برده‌ها میلیون جمع‌آوری کند. او مرد خوش ظاهری بود که باصورتی خشن و ریش سفید بلندی موجب احترام میشد، او از شکاکان بود، ولی به علوم غریبه اعتقاد داشت و اوقات پیری خود را با عوام فریبان و کیمیاگران که با کمک آنان در صدد ساختن فلزات قیمتی بود، میگذراند. او آمیزه‌ای از ترحم و سنگدلی بود، و در حالیکه صدها خانواده از او متمتع میشدند، در محروم کردن یتیمان و بیوه زنان و سواس بخود راه نمیداد.

اکنون که او از صحنه سیاست محو میشود، نه‌اثری از خویش بجای میگذارد و نه هیچ تأسفی.

او مجموعه نفیسی از جواهرات، کتابخانه عظیمی مشتمل بر نسخه‌های قدیمی هندی و ایرانی، که هزاران مجلد را تشکیل میدهند و مجموعه‌ای از قلم‌دان‌های شرقی که ارزش بسیاری دارند، از خود بجای گذاشته است.

مرگت مستوفی الممالک سبب تغییراتی در هیئت حاکمه خواهد شد که تأثیرات آن بزودی آشکار میگردد.